

فلسطین

کانون بیداری اسلامی



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

سومین همایش بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین

۸۵/۱/۲۵

در دایره‌ی وسیع‌تر؛ یعنی جهان اسلام نیز دست یافتن به این هدف والا؛ یعنی رهایی از سلطه و زورگویی و دخالت استعمارگران و زندگی در سایه‌ی اسلام ممکن و شدنی و البته متوقف بر جهادی از نوع دیگر است. این، جهادی علمی و سیاسی و اخلاقی است؛ ملت ایران در بیست و هفت سال گذشته آن را آزموده و میوه‌های شیرین آن را چشیده است.

پایه‌ی این جهاد مقدس، ایمان‌گرایی، مردم‌گرایی و علم‌گرایی است و خصوصیت آن، این است که هر گام استوار در آن، گام بعدی را استوارتر و طیّ هر مرحله‌اش، مرحله‌ی بعدی را ممکن‌تر می‌سازد.

قبل از شروع، از برادران و خواهران حاضر در این جلسه درخواست می‌کنم برای شادی روح شهیدان این روزهای اخیر در سرزمین مقدس «فلسطین»، فاتحه‌ای قرائت بفرمایید.

بسم...الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الرَّسُولِ الْأَعْظَمِ الْأَمِينِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِينَ.

به شما میهمانان عزیز، علما، متفکران، سیاستمداران، مجاهدان و سنگرداران مرزهای اعتقادی و جهادی اسلام خوش آمد می‌گویم.

شما برای همفکری و چاره‌جویی درباره‌ی بزرگترین مصیبتی که در تاریخ معاصر با دسیسه‌های استعمار بر امت اسلامی وارد شده؛ یعنی اشغال فلسطین و قدس شریف، گرد هم آمده‌اید. همزمانی این اجلاس با سالروز ولادت رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سالی که ملت ایران آن را به نام مبارک آن حضرت مزین کرده است، باید برای همه‌ی ما الهام‌بخش مجاهدت و اتحاد و عزم راسخ و اعتماد به وعده‌ی الهی باشد و زمینه‌ساز رحمت و نصرت خداوند گردد؛ ان‌شاء...

دوران کنونی، دوران بیداری اسلامی است؛ و فلسطین در کانون این بیداری قرار گرفته است. اکنون نزدیک به شصت سال از اشغال فلسطین می‌گذرد و ملت مظلوم فلسطین دوران‌های

دوران کنونی، دوران بیداری اسلامی است؛
و فلسطین در کانون این بیداری قرار گرفته است.

بار سنگین این محنت بزرگ پشت شما را خم نکرد و خون مطهر شهیدان‌تان عزم و استقامت‌تان را ریشه‌دارتر ساخت؛ دشمن شما با سفاکی و بی‌رحمی خود، با کشتار و تخریب و آدم‌ربایی و وحشیگری خود، نتوانست شما را عقب براند و امروز شما از همیشه قوی‌ترید. خون شهدای بزرگی چون «شیخ احمد یاسین» و «فتحی شقاقی» و «رنتیسی» و جوانان شهادت‌طلب و دیگر شهدای مظلوم شما، تاکنون بر شمشیر دشمن پیروز شده و از این پس به حول و قوه‌ی الهی بیشتر پیروز خواهد شد. ما در جمهوری اسلامی ایران و یقیناً انبوه مسلمانان و آزادیخواهان در سراسر جهان در غم و محنت شما خود را شریک می‌دانیم. شهیدان شما، شهیدان ما؛ رنج و اندوه شما، رنج و اندوه ما؛ و پیروزی شما، پیروزی ماست. امت بزرگ اسلامی نمی‌تواند همچون غرب مزور در برابر ظلمی که بر شما می‌رود، بی‌تفاوت و ساکت بماند و با دشمن شما دست دوستی بدهد. هر که چنین کند، با شما دشمنی کرده است و مطمئناً ملت‌های مسلمان از این گناه بزرگ مبرأیند. امت اسلامی موظف است به هر گونه‌ی ممکن به شما یاری برساند و شما را در ادامه‌ی این راه مبارک کمک کند. به وعده‌ی الهی اعتماد کنید؛ رنج‌ها و دردهای جانکاه خود را که خون‌های بناحق ریخته و سختی‌های هر روزه بر شما وارد می‌سازد، به حساب خدا بنویسید و همچون سرور شهیدان عالم، حسین بن علی (علیهماالسلام) در لحظه‌ای که کودک شیرخوارش را در آغوشش با تیر زهرآلود شهید کردند، بگویید: «انما یهون الخطب علیّ انه بعین الله». و بدانید که خداوند پیروزی نهایی مؤمنان و مجاهدان صابر را تضمین کرده است. «و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقًا وَعَدْلًا، لَا مَبْدَلَ لکَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.»
والسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ... وَ بَرَکَاتُهُ

جهاد، پیروزی را به آنان هدیه خواهد کرد و افسانه‌ی دروغین شکست‌ناپذیری دشمن متجاوز را باطل خواهد ساخت. حال و گذشته‌ی نه چندان دور این را به اثبات رسانده و از این پس نیز آن را ثابت خواهد کرد؛ ان شاء الله...

حلقه‌های به هم پیوسته‌ی توطئه‌ی امریکایی درباره‌ی ایران و عراق و سوریه و لبنان که با هدف حاکمیت بر خاورمیانه‌ای با سردمداری رژیم صهیونیستی است، هرگز کامیاب نخواهد شد و جز خسارت مهلک برای سردمداران امریکا به بار نخواهد آورد. اگر دولت امریکا تصادفاً از خرد و وجدان پیروی کند، باید از لجاجت در برابر ملت عراق دست بردارد و به رأی آن ملت درباره‌ی دولت برگزیده‌اش تمکین کند؛ دولت منتخب ملت فلسطین را محترم بشمارد و هم‌پیمان یاغی و شریر خود، یعنی دولت غاصب صهیونیست، را مهار کند؛ زندانیان مظلوم در گوانتانامو و ابوغریب و دیگر زندان‌های پنهان خود را بی‌درنگ آزاد سازد؛ توطئه بر علیه سوریه و لبنان و جمهوری اسلامی ایران را متوقف کند و با نادانی خود، منطقه‌ی حساس خاورمیانه و خلیج فارس را ملتهب نسازد.

در پایان، به ملت شجاع و مقاوم فلسطین عرض می‌کنم:

شما با جهاد و صبر و مقاومت درخشان خود دنیای اسلام را سرفراز کردید و ملتی نمونه شدید؛

ملت‌ها و دولت‌های متکی به ملت، اگر از سرمایه‌ی ایمان به خدا و ایمان به خود برخوردار باشند و مقاومت را پیشه سازند، هرگز شکست نخواهند خورد و تحمل سختی‌های جهاد، پیروزی را به آنان هدیه خواهد کرد و افسانه‌ی دروغین شکست‌ناپذیری دشمن متجاوز را باطل خواهد ساخت.

پرمحتی را با آزمون‌های گوناگون گذرانیده‌اند؛ از مقاومت‌های مظلومانه و مایوسانه‌ی آغاز ماجرا و آوارگی و غربت و مشاهده‌ی نابودی خانه و کاشانه و قتل‌عام عزیزان و کسانشان، تا پناه بردن به مجامع بین‌المللی و تا روی آوردن به معامله‌های بی‌فرجام سیاسی و قمار سراسری باخت مذاکره با اشغالگر و واسطه کردن قدرت‌هایی که خود مجرم اصلی در بروز و تداوم این محنت بوده‌اند. محصول این تجارب تاریخی، نسل نو و بالنده‌ی آن ملت رشید و شجاع را به قله‌ی بیداری و آزادگی رسانید و آتشفشان انتفاضه را پدید آورد. در جبهه‌ی مقابل نیز مسیری با مراحل متفاوت طی شد؛ از سبعت بی‌رحمانه و عنان‌گسیخته و نسل‌کشی‌ها و ویرانگری‌های خشم‌آلود و تجاوزهای نظامی به همسایگان و داعیه‌ی از نیل تا فرات، تا دست‌اندازی سیاسی و اقتصادی به منطقه، با استفاده از ضعف و خیانت برخی سیاستمداران جهان اسلام، و ناگهان مواجهه با بیداری شیر آرمیده‌ی فلسطین و انتفاضه‌ی پرخروش ملتی به جان آمده و به‌پا خاسته.

محصول این فرآیند پرماجرا که در همه حال متکی به پول و زور دو دولت انگلیس و امریکا و حمایت شرم‌آور آنان از جنایتکاران صهیونیست بود، امروز تزلزل و تردید و یأس سردمداران رژیم غاصب و مواجهه‌ی آنان با موج پرخروش و فزاینده‌ی بیداری اسلامی است. درست است که امروز هم فلسطین عرصه‌ی قساوت‌آمیزترین جنایات بشری از سوی صهیونیست‌های بیگانه و غاصب بر صاحبان مظلوم آن است و به صورتی استثنایی فجیع‌ترین ستم‌ها به طور علنی و با افتخار از سوی دولت صهیونیستی انجام می‌گیرد و اعلام می‌شود، ولی یک نگاه به عرض و طول این ماجرای شصت‌ساله، آشکارا از حقیقت تکان‌دهنده و عبرت‌آموزی خبر می‌دهد و آن چیزی نیست جز دگرگون شدن صحنه و جابه‌جا شدن جایگاه اقتدار دو جبهه؛ هم در خود فلسطین و هم در خاورمیانه و دنیای اسلام، که اساساً فاجعه‌ی غصب فلسطین برای در قبضه گرفتن و سیطره‌ی بلندمدت و تضمین شده بر آن، از سوی سیاستمداران غربی طراحی و اجرا شده بود.

فلسطین دهه‌ی ۱۹۴۰ را در نظر بیاورید: سرزمینی در قلب دنیای عرب، کشوری فقیر، حکومتی ضعیف، مردمی بی‌خبر و همسایگانی دست‌نشانده‌ی استعمار؛ ثروتمندترین و مسلح‌ترین و شریرترین دولت غربی به تحریک صهیونیست‌ها آن را از دست مسلمانان بیرون می‌آورد و به یک حزب نژادپرست و جرّار و تروریست می‌سپارد. همه‌ی دولت‌های غربی و هر دو قطب سیاسی متخاصم عالم به آن کمک می‌کند؛ دولت‌های دست‌نشانده‌ی منطقه از قبیل ایران پهلوی و بعضی دیگر به اسلام و عربیت پشت کرده، در خدمت آن قرار می‌گیرند؛ پول و سلاح و علم و صنعت از سوی همه در اختیارش گذاشته می‌شود؛ امریکا مانند قیم و وکیل مدافع و کارپرداز او عمل می‌کند و شوروی هم تنها در این مسأله با امریکا هیچ مخالفتی نمی‌کند؛ قطعنامه‌های سازمان ملل در همان حد ضعیف و محافظه‌کارانه‌اش هم از سوی دولت جعلی و یاغی صهیونیست مورد بی‌اعتنایی کامل قرار می‌گیرد؛ با پشتگرمی امریکا و اروپا به مصر، به سوریه، به اردن، به لبنان، حمله‌ی نظامی می‌کند و بخش‌هایی را به قصد تصرف دائم اشغال می‌کند؛ بی‌محابا از ترور و قتل و غارت حرف می‌زند و تهدید می‌کند و تروریست‌های معروف یکی پس از دیگری در آن به حکومت می‌رسند، که آخرین آنها جنایتکار معروف «صبرا و شتیلا»ست. ده‌ها سال در صحنه‌ی فلسطین، دولت غاصب با چهره‌ای خشن، بی‌انعطاف، طلبکار و شکست‌ناپذیر باقی می‌ماند.

در جبهه‌ی مقابل، پس از آن ضعف و انکسار نخستین و ناکامی تلاش‌های نیمه‌کاره‌ی سال‌های اول، تجربه‌ها یک‌یک خود را می‌آزمایند و دستاویزهای فکری و عملی از قومیت و ناسیونالیسم تا چپ‌گرایی مارکسیستی و امثال آن از بوته‌ی آزمایش، ناموفق بیرون می‌آیند. ایمان دینی - که ملت به آن سخت پای‌بند است - به همت مجاهدان صبور و مقاوم به تدریج نقطه‌های روشنی در افق بسته و غم‌آلود پدید می‌آورد و امیدهایی می‌آفریند؛ و در این هنگام، ناگهان خورشید «انقلاب اسلامی» از مشرق طلوع می‌کند؛ بر روی پرچم بلند این انقلاب الهی، همراه با نام خدا

مقاومت در برابر چنین دشمنی، حُکم قاطع خرد انسانی است؛ زیرا بدیهی است که خسارت قطعی ناشی از تسلیم در برابر آن، همان خسارت احتمالی ناشی از مقابله با اوست؛ به اضافه‌ی ذلت و تحقیر.

امروز استکبار جهانی - که رئیس جمهور کنونی امریکا سخنگوی آن است - دنیای اسلام را صریحاً تهدید می‌کند و سخن از جنگ صلیبی می‌گوید. شبکه‌ی استکباری صهیونیسم و سازمان‌های جاسوسی امریکا و انگلیس در همه‌ی دنیای اسلام، سرگرم فتنه‌انگیزی‌اند. با پول و تشویق آنان، مقدسات اسلامی در رسانه‌ها علناً اهانت می‌شود و حتی سیمای ملکوتی پیامبر اعظم از جسارت سخیف آنان مصون نمی‌ماند. هزارها فیلم سینمایی و بازی رایانه‌ای و امثال آن، با هدف زشت‌نمایاندن چهره‌ی اسلام و مسلمین، تولید و روانه‌ی بازارها می‌شود و این‌ها همه علاوه بر جنایات آنان در تعرض به کشورهای اسلامی و کشتارهای فلسطین و عراق و افغانستان و دخالت طلبکارانه‌ی آنان در کشورهای اسلامی برای تأمین منافع نامشروع سیاسی و اقتصادی است. تسلیم در مقابل چنین دشمنی، کاملاً در نقطه‌ی مقابل حُکم خرد؛ و مقاومت تنها راه توصیه‌شده‌ی عقل و شرع است. ثانیاً، مبالغه در قدرت دشمن، خود یکی از ترفندهای اوست. پول و زور سیاسی و نظامی، و جنگ‌افزار مدرن و انبوه، دولت‌هایی را می‌ترساند که از پشتوانه‌ی ملت خود محرومند. غلبه‌ی نظامی بر رژیم‌هایی مانند رژیم صدام که نه خود از پشتیبانی ملتش برخوردار بود و نه ارتشش بویی از ایمان و جهاد برده بودند، دلیل قدرت نیست. امریکا نتوانسته بر ملت عراق پیروز شود. عراق به همان اندازه که توانست داعیه‌ی دمکراسی خواهی امریکا را به محک بکشد و رسوا کند، توانست قدرت مطلق و شکست‌ناپذیر بودن آن را نیز به چالش بکشد و مسخره کند. ملت‌ها و دولت‌های متکی به ملت، اگر از سرمایه‌ی ایمان به خدا و ایمان به خود برخوردار باشند و مقاومت را پیشه سازند، هرگز شکست نخواهند خورد و تحمل سختی‌های

جهادی از نوع دیگر است. این، جهادی علمی و سیاسی و اخلاقی است؛ ملت ایران در بیست و هفت سال گذشته آن را آزموده و میوه‌های شیرین آن را چشیده است. پایه‌ی این جهاد مقدس، ایمان‌گرایی، مردم‌گرایی و علم‌گرایی است و خصوصیت آن، این است که هر گام استوار در آن، گام بعدی را استوارتر و طیّ هر مرحله‌اش، مرحله‌ی بعدی را ممکن‌تر می‌سازد.

در جهاد فلسطین و در جهاد دنیای اسلام، شرط اصلی موفقیت، پای فشردن بر اصول است. دشمن همواره ربودن اصول را هدف می‌گیرد و با خدعه و وعده و تهدید، بر چشم پوشیدن از آن اصرار می‌ورزد. با حذف یا کم‌رنگ شدن اصول، دنیای اسلام شاخص‌های راهنما را گم می‌کند و

محکوم قواعدی می‌شود که دشمن آن را تعیین کرده است و نتیجه معلوم است. غالباً بعضی در میان خود ملت‌های ما و از خود ما، به پیروی از دشمن، ما را به رها کردن اصول مان توصیه می‌کنند و آن را تاکتیک و تدبیر می‌نامند! انگیزه‌ی آنان هر چه باشد - غفلت یا طمع و خیانت - آنان مصداق این کلام خداوندند:

در جهاد فلسطین
و در جهاد دنیای اسلام،
شرط اصلی موفقیت،
پای فشردن بر اصول است.

«فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیبتا دائره فعسی الله ان یأتی بالفتح او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین.» آنان از کمک به دشمن هیچ سودی نمی‌برند. امریکا و غرب، بارها نشان داده‌اند که حتی به تسلیم‌شدگان هم رحم نمی‌کنند و چون تاریخ مصرف همکاری کنندگان به پایان برسد، به آسانی آنان را به دور می‌افکنند. برخی دیگر، قدرت دشمن را به رخ می‌کشند و حق طلبان را از اصطکاک با آن بیم می‌دهند. در این سخن، مغالطه‌ی خطرناکی نهفته است. اولاً، دشمنی که انسان خردمند از اصطکاک با او پرهیز می‌کند، دشمنی نیست که هویت او و منافع حیاتی او و اصل وجود او را هدف گرفته است؛

و شریعت اسلامی، نام فلسطین نقش بسته است. از این مقطع، مسیر حوادث دگرگون می‌شود و روند زوال دولت غاصب و زوال سیطره‌ی مطلق امریکا در منطقه - که در طول سال‌های دراز، شریک جرم دولت غاصب بوده - آغاز می‌گردد؛ گروه‌های جهادی مؤمن به اسلام در فلسطین و

لبنان سر بر می‌آورند و نسل مبارزان صادق و سرسخت را متشکل می‌کنند؛ جهاد و شهادت زنده می‌شود و قدرت حقیقی - یعنی قدرت ملتی که عزم ایستادگی و فداکاری در او راسخ است - جایگاه خود را در معادلات

فلسطین و منطقه باز می‌یابد. خون مطهر جوانان شهادت طلب و حضور میدانی مبارزان از جان گذشته، همه‌ی محاسبات دنیاداران ماده‌پرست و لذت‌جو را در هم می‌ریزد و میدان تازه‌ای را می‌گشاید که در آن خون بر شمشیر پیروز است.

و امروز پس از شصت سال از آغاز محنت‌بار، جبهه‌ی حق با امیدهای تازه و با انگیزه‌ی ایمان - که نسل‌های جدید را پی‌درپی مجذوب خود کرده - تازه نفس و جازم در میدان فلسطین روزه‌روز خود را نیرومندتر می‌سازد و شکست‌های نظامی و سیاسی را یکی پس از دیگری در لبنان و فلسطین بر دشمن تحمیل می‌کند و با حماسه‌ی جهاد خود به سوی فتح مبین می‌رود؛ گویا کلام صادق خداوند خطاب به آنهاست: «وعدکم الله مغانم کثیره تأخذونها فجعّل لکم هذه و کفّ ایدی الناس عنکم و لتکون آیه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً. و اخری لم تقدروا علیها قد احاط الله بها و کان الله علی کلّ شیء قدیراً.»

و متقابلاً جبهه‌ی باطل پس از عقب‌نشینی‌های پی‌درپی و از دست دادن امیدهای کاذب آغازین، دچار تفرقه و تردید و سردرگمی است. حامی اصلی‌اش - یعنی امریکا - خود در خاورمیانه با

امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.

مشکلات لاینحل روبه‌رو و با نفرت روزافزون ملت‌های این منطقه، بلکه همه‌ی جهان مواجه است. شعار از نیل تا فرات به شعار امنیت - آن هم در داخل دیواری که خود به دور خویش می‌کشد - تنزل یافته و برای مقابله با فلسطین به‌پا خاسته، راهی جز تانک و بمب و ترور و زندان و بولدوزر نمی‌شناسد؛ یعنی همان ابزاری که به کار بردن آنها در ده‌ها سال گذشته، ملت فلسطین را به فولاد آبدیده‌ی کنونی مبدل کرد و از این پس هم اثر آن جز مقاوم‌تر شدن آنان نخواهد بود.

برادران و خواهران من! امروز ملت فلسطین، وسط میدان یک جهاد دشوار و بلندمدت است و این نه تنها جهاد فلسطین که بخش برجسته‌ای است از جبهه‌ی گسترده‌ی جهاد دنیای اسلام با مستکبرین متجاوز و سفاک و غارتگر. دنیای اسلام بیدار شده، شعار حاکمیت اسلام در همه‌ی کشورهای اسلامی جایگاه نخست را در میان جوانان و دانشگاہیان و روشنفکران این کشورها باز یافته. ایران اسلامی که پروراننده و به عمل آورنده‌ی اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی است، روزبه‌روز قوی‌تر و پیشرفته‌تر شده، اسلام ناب که امام خمینی آن را پیراسته از التقاط و انحراف و جمود و تحجّر معرفی کرد، در عرصه‌ی سیاسی بسیاری از کشورها امتداد یافته و در شرق و غرب دنیای اسلام ریشه دوانیده است. طعم تلخ و زهرآگین لیبرال دموکراسی غرب که تبلیغات امریکایی، مزورانه می‌خواست آن را داروی شفابخش معرفی کند، جان و تن ملت اسلامی را آزرده و دل آنان را گداخته است. عراق و افغانستان و لبنان، گوانتانامو و ابوغریب و سیاهچال‌های پنهان دیگر و پیش از همه، شهرهای غزه و ساحل غربی، واژه‌ی آزادی و حقوق بشر غربی را که رژیم امریکا بی‌شرم‌ترین و وقیح‌ترین مبلغ آن است، برای ملت‌های ما ترجمه کرده است. امروز لیبرال دموکراسی غرب به همان اندازه در دنیای اسلام رسوا و منفور است که سوسیالیسم و کمونیسم دیروز شرق. ملت‌های مسلمان می‌خواهند آزادی و کرامت و پیشرفت و عزت را در سایه‌ی اسلام به دست آورند؛ ملت‌های مسلمان از سلطه‌ی دوپست ساله‌ی بیگانگان و استعمارگران به ستوه

آمده و از فقر و ذلت و عقب‌ماندگی تحمیلی خسته شده‌اند. ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است، و اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید. فلسطین باید به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه‌ی فلسطینیان سراسر کشور خود را اداره کند. کوشش پنجاه ساله‌ی انگلیس و امریکا و صهیونیست‌ها برای حذف نام فلسطین از نقشه‌ی جهان و هضم ملت فلسطین در ملت‌های دیگر به جایی نرسید و فشار و ستم و قساوت به‌عکس نتیجه داد. امروز ملت فلسطین از اسلاف شصت سال قبل خود، زنده‌تر و شجاعتر و کارآمدتر است. این روند که در سایه‌ی ایمان و جهاد و انتفاضه‌ی افتخارآفرین پدید آمده، باید ادامه یابد و وعده‌ی خداوند تحقق یابد که فرمود: «وَعَدَاللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ و عملوا الصّٰلِحٰت لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ و لَیَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِیْنَهُمُ الَّذِی ارْتَضٰی لَهُمْ و لَیَبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمٰنًا یَعْبُدُوْنَ لِیٰ شَرٰکُوْنَ یٰۤی شِیْطٰنُ و مِّنْ کَفْرٍ بَعْدَ ذٰلِکَ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ.»

در دایره‌ی وسیع‌تر؛ یعنی جهان اسلام نیز دست یافتن به این هدف والا؛ یعنی رهایی از سلطه و زورگویی و دخالت استعمارگران و زندگی در سایه‌ی اسلام ممکن و شدنی و البته متوقف بر